

بررسی لایحه بودجه پیشنهادی ۱۳۶۰ گامهای سنجیده بسوی وابستگی هرچه بیشتر به امپریالیسم

در شماره های گذشته ها، تحلیل نسبتاً مفصلی را از اوضاع اقتصادی ایران و جهت گیری آتشی آن ارائه دادیم. در این ارتباط سند محرمانه‌ی رژیم که توسط کارشناسان سازمان برنامه و بودجه برای دست اندر کاران و مشاورین اقتصادی دولت تنظیم شده بود و خامت و ورشکستگی اقتصادی جامعه را بیش از پیش بنمایش گذاشته و پیش بینی های قبلی ما را منتهی بر سر اشیب غیر قابل کنترل سقوط اقتصاد ایران تا پیید کرد. در این شماره به بررسی اجمالی طرح بودجه هیئت دولت می پردازیم که در تاریخ سوم اردیبهشت با قید یک فوریت در لیست مذاکرات مجلس قرار گرفت. لایحه‌ی بودجه دارای یک ماده‌ی واحد و ۵۵ تبصره و فاقد هر نوع شرح و تفسیری از شمای کلی اقتصادی کشور و اوضاع اجتماعی کنونی میباشد. البته این امر بدون دلیل نیست زیرا که دولتمردان جمهوری اسلامی و حداقل آنانکه از نزدیک با اوضاع اقتصادی آشنائی حداقلی دارند، بخوبی میدانستند که ترسیم شرایط اقتصادی اجتماعی کشور برای توجیه لایحه بودجه، چیزی کمتر از قاجعه را نشان نخواهد داد. بدین قرار این لایحه جز یک مشت ارقام کلی که بظاهر تصویر بودجه‌ی دارای موازنه و بدون کسری را در ذهن خواننده القاء میکند، بدون ارائه ریز اقلام هزینه‌ها و درآمد ها و در عوض شرح و تفسیر های زیاد که خود صیبن نوعی فوق تمرکز اختیارات اجرایی دولت در کنترل امور اقتصادی است، چیز دیگری را در بر ندارد. لیکن نگاهی به فراسوی ظاهر و تحلیلی موثکافانه از همین لایحه‌ی گذاشی نشان از عمق قاجعه دارد.

مهمترین ابعاد قاجعه آمیز لایحه بودجه عبارتند از کسر بودجه، افزایش فوق العاده تولید و فروش نفت؛ تکیه بر سیاستهای بولی برای موازنه‌ی درآمدها با هزینه‌های دولتی، تکیه بر واردات و ادامه‌ی سیاست گذشته‌ی اقتصاد مصرفی خواهد بود، که نتایج "گرانبار" آن عوارض شدید تورمی و رکودی در کل سبوح اقتصادی جامعه است، این طرح از لحاظ سیاسی سند وابستگی کامل اقتصاد ایران به سرمایه و بازارهای جهانی است و خود بیان آشکار این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی در سومین سال از زندگی تنگین خود نه تنها هیچ قدمی در راه قطع وابستگی ایران به امپریالیسم بر نداشته بلکه هم اکنون با توجه به واقعیت در چهار چوب این وابستگی برای ادامه‌ی حرکتهای اقتصادی خود طرح و برنامه ریزی می کند. مسئله امروز آنچنان آشکار و غیر قابل انکار است که خود رئیس جمهور "محبوب" نیز از وخامت اوضاع شکوه سر میدهد منتهی مسئولیت امر را به عهده‌ی دولت مکتبستانی رجائی و مشاورین اقتصادی او میکذارد. خطوط اساسی بودجه کدامند؟ ماده‌ی واحدی لایحه‌ی بودجه، جمع کل بودجه‌ی دولت در سال ۱۳۶۰ را حدود ۳۳۰۰ میلیارد ریال تعیین نموده است که از محل درآمدها و سایر منابع تا مین اعتبار" و جهت "هزینه‌ها و سایر پرداختها" تهیه و تنظیم گشته است. لیکن اقلام دقیق "درآمدها و سایر منابع تا مین اعتبار" حداقل در متن لایحه به هیچ وجه روشن نیست و خواننده نخواهد فهمید که منابع درآمد دولتی از کجا و به چه میزان تا مین خواهد شد. لیکن خوشبختانه ملاحظات و اطلاعات جناح "لیبرال" حاکمیت و معارضه‌ی ایشان با لایحه برادران بودجه، اسرار پشت پرده را بطرز جالبی نمایان میسازد. آقای بنی صدر میگوید: "دولت آمده گفته است که معادل ۳۴۱ میلیارد تومان نفت خواهد فروخت که حدود ۸۰٪ از درآمدها را تشکیل میدهد و ۲۰٪ بقیه هم

مربوط میشود به مالیاتها که قسمت قابل توجهی از آن مالیات بر واردات یعنی حقوق و عوارض گمرکی است که آنهم بطور غیر مستقیم به نفت مربوط میشود و نشانگر هیچ نوع تولید و برداشت از اقتصاد داخلی نیست" (انقلاب اسلامی، ۱۶ اردیبهشت)

یک محاسبه‌ی ساده نشان خواهد داد که برای ۲۴۱ میلیارد تومان (۳۲ میلیارد دلار) فروش نفت با احتساب هر بشکه ۳۵ دلار، صادرات نفتی ایران از حدود ۲/۵ میلیون بشکه در روز نیز تجاوز خواهد کرد. البته با توجه به اینکه تا تصویب لایحه حداقل ۲ تا ۳ ماه از سال بودجه (سال جاری) خواهد گذشت، آهنگ صادرات نفت (در صورت پایان جنگ) با دیدمرا تیبیش از ۲/۵ میلیون بشکه بوده و حتی از مرز ۳ میلیون بشکه در روز تجاوز کنند تا دولت بتواند به عوا شد پیش بینی شده دست یابد. در اینجا برای روشن شدن موضوع لازمست نکاتی را متذکر

شویم:

الف- قبل از آغاز جنگ ایران و عراق، این دو کشور مجموعاً بیش از ۵ میلیون بشکه نفت در روز صادر میکردند.

ب- پس از شروع جنگ، صدور نفت دو کشور برای مدتی قطع شد و پس از آن، با زیربومهایی و در هر حال، به میزان بمراتب کمتر از گذشته صادر شد. در حال حاضر عراق، از طریق لوله‌های سوریه و ترکیه حدود یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه در روز نفت صادر میکند. بر اساس اطلاعاتی که از منابع موثق شرکت نفت ایران بدست ما رسیده است، صادرات روزانه نفت ایران فقط از لاوان صورت میگیرد و میزان آن در حال حاضر از ۵۰۰ هزار بشکه تجاوز نمی کند. صدور نفت ایران تا زمانی که جنگ ادامه دارد، بدلیل متعدد تکنیکی، بهیچ وجه از میزان فعلی قابل افزایش نیست.

ج - بازار جهانی نفت در حال حاضر، روزانه با دو میلیی بشکه نفت اضافی مواجه است. (نیویورک تایمز، ۲۷ آوریل ۸۱) و "خود را با مازاد تعجب آور

نفت مواجه می بیند." (نیوزویک، ۹ مارس ۸۱)

د - کشورهای مصرف کننده نفت، علیرغم ادامه‌ی جنگ ایران و عراق، بیش از ۵۰۰ میلیون بشکه نفت ذخیره کرده‌اند و در حال حاضر، کلیه کشورهای مصرف کننده نفت با کمبود مخازن زیرزمینی و روی زمینی مواجه‌اند. نفتکش های عظیم نفتی، جایی برای خالی کردن محمولات خود ندارند و از آنها غالباً بعنوان ذخایر شناور استفاده میشود.

ه - بعد از خاتمه جنگ نه فقط ایران بلکه عراق نیز به میزان صادرات نفت خود خواهد افزود. با این تفاوت که عراق بر اساس قراردادهای گذشته، مشتریهای دست به نقدی دارد، در حالی که ایران در این وانفاسی بازار کساد مجبور است با چراغ بدنبال مشتری بگردد.

"محاسبات دولت مکتبی هرچه باشد و هر دو غی که برای فریب توده‌ها و برای سربوش گذاشتن به ورشکستگی خود ارائه دهد، حقیقت اینست که صدور نفت ۲/۵ یا ۳ میلیون بشکه در روز تا زمانی که جنگ خاتمه نیافته و حتی پس از خاتمه جنگ نیز تا زمانی که اشکالات عدیده تولید و صدور نفت از نظر تکنیکی بر طرف نشده باشد، رویای ابلهانه‌ای بیش نیست.

با فرض اینکه جنگ ایران و عراق همین امروز نیز خاتمه یابد و اشکالات عدیده تولید و صدور نفت نیز بکمک امپریالیستها بر طرف شود (برای نمونه باید گفت که از سه دکل قابل استفاده در ایران، هسه آنها در همان

روزهای اول جنگ بطور کامل نابود شدند) ، با توجه به آنچه در سطور فوق (بویژه در قسمت ج و د و ه) آمد، سؤال اینست که رژیم جمهوری اسلامی چگونه قادر به فروش چند برابر صادرات کنونی خود خواهد بود و برای تامین ذخائر ارزی و تامین کسری بودجه ، به کدام مشنتری میتواند مراجعه کند ؟ مهمترین این به چه قیمتی ؟ به همین ۳۵ دلار کنونی ؟ " گس هلی " معاون اقتصادی کمیانی استاندارد اوایل کالیفرنیا می گوید: " تعجب نخواهم کرد اگر نفت از بشکه ای ۲۵ دلار به ۱۲ دلار برسد " با توجه به آنچه گذشت ، تصور فروش ۲/۵ یا ۳ میلیون بشکه نفت در روز به قیمت ۲۵ دلار ، برای بدست آوردن ۲۴۱ میلیارد تومان (۲۲ میلیارد دلار) بیش بینی شده در لایحه بودجه ، توهم ابلهانه ای بیش نیست . ولی از طرف دیگر ، نیاز به ارز خارجی و واقعیت کسر بودجه همچنان بجای خود باقیست . اگر رژیم جمهوری اسلامی بایدهفت را به مبلغ کمتری بفروشد (و در شرایط کنونی بازار نفت و در استیصال و درماندگی رژیم چاره ای هم جز این ندارد) ، مجبور است که میزان نفت را (با فرض محال امکان عملی آن در شرایط فعلی) ، از میزان ۲/۵ یا سه میلیون بشکه در روز ، بمیزان قابل توجهی افزایش دهد تا پاسخگوی نیازهای ارزی و ریالی او باشد . در اینحال (اگر میزان مصرف داخلی نفت - حدود یک میلیون بشکه در روز - را به آن اضافه کنیم) ، کل تولید نفت ایران در سال ۶۰ با یک میلیارد تولید نفت در زمان شاه (بین ۵ تا ۶ میلیون بشکه در روز) ، تفاوت چندانی نداشته باشد .

آنچه در فوق آمد ، " بهترین شرایطی است که میتواند به قیمت به تاراج گذاشتن ثروت ملی، ورشکستگی کامل رژیم جمهوری اسلامی را کمی به عقب بیاورد . از نتایج همین سیاست خائنه ، ایجاد دور تسلسل بالارفتن تورم / بالارفتن بودجه کشور (کسر بودجه) / تامین کسری بودجه از طریق فروش نفت خواهد بود .

در همینجا یک نکته را اضافه کنیم که فروش نفت بیشتر الزاما به مفهوم تامین ارز خارجی و از آنجا تامین کسر بودجه نخواهد بود . یک نمونه گویا (که نمونه های فراوان آنرا در رژیم شاه دیده ایم) همین اواخر توسط رژیم درمانده و مغلوب مکتبی ارائه شد . اخیرا سخنگوی دولت " مستضعفان " با افتخار اعلام کرد که برای " ثبات از بین رفتن تحریم اقتصادی " ، دولت با کمیانیهای نفتی انگلیسی ، قراردادی منعقد کرد . (گرچه راست یا دروغ ، میزان آنرا اعلام کردند ولی قیمت هر بشکه نفت در این قرارداد ، کاملا محرمانه است) . این قرارداد البته ارز خارجی در اختیار جمهوری اسلامی قرار نمیدهد چراکه همزمان با آن ، دولت امپریالیستی انگلستان قرارداد اسارتبار یک میلیارد لیبره ای شرکت تالبوت را به رژیم مکتبی برای " حداقل مدت پنجاه سال " قالب کرد . بدیگر سخن ، رژیم نمی تواند با درآمد حاصله از قرارداد نفت مذکور از سایر کشورهای جهان مثلا نیازهای خود را در زمینه ماشین آلات کشاورزی و صنعتی را تامین کند بلکه مجبور است که درآمد حاصله از قرارداد نفت با کمیانیهای نفتی انگلیسی را (برای استمرار وابستگی و حفظ صنایع مونتاژ) به جیب یک کمیانی دیگر انگلیسی - تالبوت - بریزد .

از طرف دیگر ، کاهش قیمت نفت در سطح جهان به کاهش هزینه های تولید در کشورهای امپریالیستی و رونق اقتصادی امپریالیسم بزرگان کشورهای فقیر ما در گذشته نفت کمک خواهد کرد . بعلاوه تشدید آهنگ صادرات نفت نگزیر به افزایش واردات کالا از بازارهای جهانی خواهد انجامید که خود وابستگی هر چه بیشتر اقتصاد ایران به این بازارها و در نتیجه وابستگی به قیمتهای جهانی از یکسو و آدامه وضعیت رکود - تورمی در سطح داخل را در بر خواهد داشت . چرا که واردات کالاهای متورم به افزایش سطح تورم در داخل کمک نموده و در ضمن

تسلط مصنوعات وارداتی از فعالیت صنایع و تولیدات نزدیک به ورشکستگی ایران جلو خواهد گرفت و بر ابعاد رکود موجود خواهد افزود .

به یک کلام جهش چند برابر صادرات نفتی ایران به شدت اوضاع گذشته زمان شاه را در تمام ابعاد اقتصادی اجتماعی و سیاسی آن تداعی خواهد کرد . رونق کساد در بطن یک اقتصاد بیمار ، لیکن نکته اینجاست که با توجه به اوضاع وخیم اقتصادی در حال حاضر حتی نیل به یک " رونق کاذب " و تجدید خاطره ای " شکوفائی های " دوران شاه نیز بسیار دور از ذهن بنظر میرسد . زیرا که مشکل بتوان در کشوری که بقول رئیس جمهور آن بطور متوسط طی سه سال گذشته با حدود ۱۱٪ رشد منفی در تولید ناخالص ملی مواجه و هم اکنون نیز حدود ۴ میلیون از ۱۲ میلیون نیروی کار آن ، فاقد هرگونه کار و اشتغال بوده و در ضمن نرخ تورم نیز بنا به محافظه کارانه ترین تخمین ها از ۵۰٪ بمراحت بالاتر است ، بتوان بصرف فروش بیشتر نفت به " رونق " که سهل است به حداقل تعادل اقتصادی رسید .

به هنگام ارائه لایحه بودجه جناب نخست وزیر مکتبی البته با توجه به مطالعات عمیق ایشان در علم اقتصاد و بویژه اقتصاد مکتب اسلام اظهار داشتند که: " دولت کسر بودجه نخواهد داشت " و البته کلاه قصاص ایشان نیز تیتیر درشت محافل خبری و روزنامه های مکتبی شد . حال باید دید آیا بودجه پیشنهادی ایشان واقعا در توازن و بدون کسری است . طبق برآورد کارشناسان نیازهای ارزی ما در سال ۱۳۶۰ به حدود ۱۸ میلیارد دلار بالغ خواهد شد و آنچه در درآمد نفت و بودجه منظور شده است به اضافه مختصر صادرات غیر نفتی حدود ۲۳ میلیارد دلار ارز بدست خواهد داد . (انقلاب اسلامی ۱۶ اردیبهشت تحلیل رئیس جمهور از بودجه) .

بعبارت دیگر خود رئیس جمهور اذعان میکند که احتیاج ارزی دولت در سال ۱۳۶۰ (منظور مقدار کسری ارزهای خارجی برای واردات و غیره) ۱۸ میلیارد دلار است . پس رقم واقعی کسر بودجه ۱۵ = ۱۸ - ۳۳ میلیارد دلار میباشد و این در صورتی است که مقدار کل ذخیره ارزی سال گذشته (۴ میلیارد دلار) کماکان حفظ شود . از آنجا که دولت برای سال آینده هیچ حدود مشخصی را جهت ذخائر ارزی مشخص نکرده ، پس می توان حدس زد که در سال آینده نیز همین رقم ۴ میلیارد دلار ، اگر نه کمتر ، به حساب اندوخته های ارزی کشور خواهد آمد . کسری بودجه ۱۵ میلیارد دلاری که معادل ریالی آن بیش از ۱۱۰۰ میلیارد ریال است حدود یک سوم کل بودجه پیشنهادی ($\frac{1100}{3300} = \frac{1}{3}$) یعنی بیش از ۳۰٪ کل مقدار پیش بینی شده در لایحه بودجه است . به عبارت واضحتر بودجه پیشنهادی دولت جمهوری اسلامی که دروغ پردازان مکتبی بودجه ای متعادل معرفی نموده بودند دارای حداقل ۳۰٪ کسری است . و البته این کسری به برکت افزایش فوق العاده فروش نفت گویا میتواند لایوشانی شده و بعنوان بودجه متعادل به خورد " امت مسلمان " داده میشود تا معانی و مفاهیم مکتب و محاسن اقتصادی آنرا بهتر درک کنند . گذشته از عوارض مختلف چندبرابر شدن صادرات نفت ایران به خارج که قبلا ذکر شد ، تا همین کسر بودجه از طریق استفاده از ارزهای خارجی (غیر از آن بخشی از ذخائر ارزی که مصروف خرید واردات میگردد) همانند استقرار دولت از بانکها دارای اثرات توری فوق العاده میباشد . و این بویژه در شرایطی که میزان کسر بودجه نسبت به کل بودجه پیشنهادی سرسام آور است ، ارقام تورم مزمن را به ابعاد سرسام آوری خواهد رساند . نکته دیگری که بروشنی در ترکیب اقلام بودجه مشاهده میشود تقشیر عوائد نفتی در کل بودجه پیشنهادی است . سهم عوائد حاصله از فروش نفت که بقول جناب رئیس جمهور به ۸۰٪ نیز بالغ میشود گواه دیگری است بر اینکه اقتصاد بقیه در صفحه ۱۲

هر دو جناح حاکم دشمن زحمتکشان ، حامی سرمایه دار

بررسی لایحه بودجه...

ایران بطور غیر قابل توسعی نه فقط شمار ملکیت مشرف به موات است. بخش صادرات نفت در کل بودجه سال ۱۳۶۰ و نیز در کل ترکیت تولید ناخالص ملی نشان دهنده این واقعیت تلخ است که گرایش اعتماد استواران در صنعت محصولی بدن و با اسال واستگی های عمیقتر اقتصادی به جهان سرمایه داری یعنی سرمایه داری مماند و وقتیکه بیش از ۹۵٪ از کل صادرات ایران را نفت خام تشکیل داده و در شرایطی که سهم کل تولیدات صنعتی و معدنی به حدود ۱۴٪ و سهم کشاورزی به حدود ۱۱٪ در ترکیت تولید ناخالص ملی تنزل میکند استفسار واستدک در این خصوص مایان تر میشود.

از سوی دیگر هزینه ها با وجودیکه اعلام و ترکیت آنها به حدی قابل ملاحظه است، اما در مجموع میتوان گفت که هزینه های سرمایه داری مشرف امور خرابی و فقط بخش کوچکی از تولید ناخالص ملی را تشکیل میدهد. هزینه های عمرانی و توسعه تخصصی داده شده است. لیکن با وجودیکه هزینه های بخش صنعتی شده است. به سال گذشته افزایش چشمگیری را مشاهده می نمود. و با وجودیکه بخش سهم این هزینه ها را متصارح اعلام دولت نموده است. لیکن با کمال تحسین ملاحظه می شود که در این راه دولت جلالت مانت مستضعفان را کمترین توجهی را نسبت به کارگران و کارمندان و اقشار کم در آمد میدول نمی نماید. دولت حتی در این امور تراجت بیشتری نشان داده و در تشردهای لایحه بودجه مشخص میکند که با وجود تورم انفجارگسسته اقتصادی حاضر نیست کمترین افزایش حقوقی را برای کارکنان و کارمندان در نظر گیرد و حتی پاداش های سنواتی را که میتوانست کمکی به درآمدی باشد آنان باشد. کن لیم بکن اعلام میکند. سطره ای ۲۲ لایحه بودجه جدید اعلام میکند:

بیمارت ساده تر رژیم مکتبی حداقل حقوق را در مورد کسانی که در جستجوی اشتغال در مقابل ادارات و کارخانه ها صاف میکنند میتواند هر قدر که بخواهد کاهش دهد و از این رو موهبت نظام سرمایه داری از نوع اسلامی را بهتر با آنها سازد. البته تصور رژیم است که بیکاران هنوز متشکل نیستند و قاعدتا نمی توانند دسته به عکس العملی که برای دولت مردان بر در سرمایه داری بریندیشیدنا دیر شده هر چه بیشتر از شرایط کنونی استفاده کرده و حرومترستن مستضعفان را به استنفاد هر چه بیشتر کنند.

جالب اینجاست که سطره های ۲۲ و ۲۳ خود مبرود تا بند هر دو جناح حاکمیت چه بخش مکتبی و چه طیارخ اصلی آن به حساب آمده و چه "لیبرال" که حتی مخالف را باری میکند، میباشد. و جناحی صدر که سهمیه در باب بودجه های سری و غیر سری و حدود اجتناب از نهضت وزیر مکتبی و غیره ناله سر میدهد. یک ک سلام از سر خورد این لایحه به کارگران، بیکاران، سرهای کم در آمد سکایتی ندارد. گوینا چنین تصور غلطی از لایحه بودجه وجود ندارد. بطور خلاصه شرح بودجه ای بدستهای دولت به مجلس به فقط نمایانگر ترکیت کلی کامل اقتصادی است بلکه از قدمهای سجد و حساب شدهی رهبران جمهوری اسلامی بسوی واستگی هر چه بیشتر حکایت دارد. این لایحه که ابقا و تداوم موهبت ایران در مدارواستگی اقتصادی و نیز سرسردگی سالی بسره اسپرانسیم جهانی و بویژه امریکارا در بردارد بار دیگر به این امر صه میگردد که فقط حاکمیت طبقه کارگر میتواند رهائی همه رجمتکسان از نوع اسارت سرمایه و قطع کامل واستگی بسا جامد.

لایحه قصاص...

★ بیان مبارز!

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به اینهمه خرابی و ویرانی و جوسریزی و بیکاری و گزاسی و آوارگی و فقر و کزسگی و بیخانمانی که در این دو سال بیار آورده و انقلاب با تکوه توده های ستمدیده و از ستم نرسندی مارا به انحراف و استبدال کشانده هنوز راضی نیست و اکنون میخواهد با ترتیب دادن صحنه های وحشانه ی شلاق زدن، بریدن گوش، بیضی، لب، زبان، دست و پا، از حدقه درآوردن چشم، سنگسار کردن و غیره، میدان شهرهای مارا ("سرای عمرت دیگران") به سیرکهای فزون و نظای تبدیل کند.

صن افتنا جنایات دو ساله ی رژیم جمهوری اسلامی در سرکوت کارگران، روستاشیان، زنان، نیروهای افغانی و سرتوی، خلقهای تحت ستم از هر طریقی که میتوانیم در معرفی و افتنا سند سنگین و صد بشری لایحه قصاص، بکوشیم. و به وسیعترین شکل ممکن، مفاد این لایحه را که یکی دیگر از جلوه های ماهیت فوق ارتجاعی و قرون وسطایی "جمهوری اسلامی" است، در معرض فضا و افکار عمومی ایران و جهان قرار دهیم.

اردیبهشت ماه ۶۰

سازمان وحدت کمونیستی



رژیم حامی سرمایه داران

بخشی از دستمزد کارگران (سود ویژه) را به جیب سرمایه داران سرازیر میکند

"پرداخت هر نوع پاداش در سال ۱۳۶۰ به کارمندان و کارکنان شاغل و بازنشسته ی وزارتخانه ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت اعم از ترکیت و کشوری و بانکیها و سرکتهای ستمه ممنوع میباشد.

روش است که در چار کارمندان دولت که در اختیار آنها در کنار کارگران که هم اکنون بسره کارگران مستقیم دولت سرمایه داری تبدیل شده است. بیشتر فنارهای کس نکن زندگی را با نظم بسازد و اسالهم متحمل خواهند شد. در شرایط اضیل بیکاران دولت مکتبی اسرار به مانت یک دولت سرمایه داری شغور و استنفاد خود به نمایش میگردد و نشان میدهد که چیزی از املاک اسمارکر خود کم است. از دستگاه سرمایه داری چه مکتبی و چه غیر مکتبی چه بخش خصوصی و چه دولتی، ارتش ذخیره ی کار همسوار به مانه تا مل مهمی جهت کاهش قیمت نیروی کسزار و استثمار بیشتر کارگران و سایر رجمتکشان مورد استفاده قرار میگرفته است. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. رژیم در شرایطی که در جامعه بیکاری بیداد میکند و بسیاری از بیکاران بخاطر تا مین معاش به هر کاری ممکن است دست بزنند. معیار جدیدی را برای استخدام سوده های بیکار میگذازد و آن استخدام با اصل کمتر از حداقل حقوق رسمی است. سطره ی ۲۳ همین لایحه بوده است.

"الف - لایحه قانونی مربوط به حداکثر و حداقل حقوق مستخدمین شاغل و بازنشسته و آماده بخدمت موب اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ در سال ۱۳۶۰ نیز با رعایت اصول و اصلاحات بعدی معتبر و لازم الاجراست.

ب - رعایت حداقل حقوق در مورد کارکنان آماده به خدمت الزامی نیست." (تاکید از مانت)